نیوکمپ؛ روایتی شاعرانه از زندگی کسانی که اعتیاد را تجربه کرده‌اند

باید نگاه‌مان به معتاد را تغییر دهیم

مهدی محمودی با اشـاره به اینکه نگاه جامعه به افراد معتاد باعث می‌شود، این افراد نیز نسبت به جامعه بی‌اعتماد شوند، تأکید کرد: مسـتند «نیوکمپ» نگاه به مخاطب به معتاد را تغییر می‌دهد. به گزارش ایلنا، مستند «نیوکمپ» به کارگردانی مهـدی محمودی با موضوع اعتیاد به صورت آنلاین اکران شـده اسـت. این مستند که سه سال ساخت آن به طول انجامیده، بـا دنبال کردن زندگی چند فرد که پیش‌تر درگیر اعتیاد بوده‌اند در یک کمپ مستقل سعی دارد به زندگی این افراد نزدیک شود و علاوه بر دنبال کردن تأثیر نگاه جامعه بر این افراد و متقابلا نگاه آن‌ها نسبت به جامعه را دنبال کند. اعتیاد قطعاً از مهم‌ترین معضلاتی است که امروز در جامعه ما وجود دارد و آشنایی با این پدیده می‌تواند به ما در مقابله با آن کمک کند و از این جهت ساخت مستندهایی که بتوانند نگاه سازنده‌ای نسبت به این معضل ایجاد کنند می‌تواند حائز اهمیت باشـد. در گفتگو با مهدی محمودی درباره تجربه ساخت این مستند و مفاهیمی که در آن دنبال کرده، صحبت کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

مستند «نیوکمپ» به مسئله اعتیاد می‌پردازد اما افرادی که قصه‌شان روایت می‌شود و حتی موقعیتی که در آن قرار دارند از هر نظر با تعریف کلیشـه‌ای از معتاد و کمپ تفاوت دارند، چطور به کشف این سوژه رسیدید؟

ما یک سـال در اربعین سـفری به کربلا داشتیم که به سـاخت یک مجموعه مسـتند فکر می‌کردیم و به دنبال سـوژه‌های خاصی می‌گشـتیم. در یکی از موکب‌هایی که برای اسـتراحت در نظر گرفته شـده بود، برای آشنایی با مردم و کشف سـوژه‌های احتمالی که می‌توانستند نظر ما را جذب کنند، حضور داشـتیم و با چند نفر از اقوام لُر که با ظاهری خاص و ساده آنجا حاضر شدند وارد صحبت شدیم و فهمیدیم که همه آن‌ها اهالی یک روسـتا هستند، همه قبلاً اعتیاد داشـتند و امروز با همین صمیمیت و سادگی با هم زندگی می‌کنند. سـادگی آن‌ها واقعاً نظر افراد را جلب می‌کرد، با آن‌ها دوسـت شدیم و پس از سفر اربعین با هم قرار گذاشـتیم و برای آشنایی بیشتر به روستای هزاوه که در اطراف اراک بود، رفتیم. آنجا متوجه شـدیم شخصی به نام «علی» در آن منطقه خانه‌ای دارد. او خودش به شـدت درگیر اعتیاد بوده و امروز توانسته ترک کند و خانه خود را به کمپی تبدیل کرده تا دوستان خودش در آنجا بتوانند به راحتی دوران ترک را سپری کنند. با این افراد همراه شدیم، حدود ۱۰ سفر به هزاوه داشتم که درنهایت توانستیم مستند «نیوکمپ» را به همین شکل بسازیم. در واقع نحوه آشنایی من با این افراد و ایده ساخت این مستند کاملاً تصادفی بود.

یکی از چالش‌های مستندسـازانی که به مسائلی چون اعتیاد می‌پردازند این اسـت که فرد معتاد معمولاً حاضر به همکاری با گروه فیلمبرداری نیست، در مستند شما هم به نظر می‌رسـد افراد همکاری کاملی با شما نداشتند. تا چه اندازه توانستید اعتماد آن‌ها را برای ضبط تصاویر مستند از زندگی‌شـان جلب کنید تا تصاویری واقعی به مخاطب ارائه دهید؟

متقاعد کردن افراد برای همکاری با ما در مقابل دوربین واقعاً کار سـختی بود. این یکـی از بزرگ‌ترین چالش‌های سـاخت این مسـتند و یکی از عواملی که باعث شد ما ۱۰ بار به این منطقه سفر کنیم و کار تا این اندازه طولانی شد، همین مسئله بود. البته باید بگویم این دوستان به ما اعتماد کامل داشتند اما به دلیل اتفاقاتی که در زندگی شخصی‌شان تجربه کرده‌اند و البته بی‌اعتمادی که در جامعه نسـبت به معتـادان وجود دارد، آن‌ها نیز نسـبت به جامعه بی‌اعتماد شـده‌اند حتی می‌توانم بگویم که بی‌اعتمـادی افراد معتاد نسـبت به جامعه بسیار بیشتر از بی‌اعتمادی جامعه نسبت به آن‌ها است.

افراد در بهتریـن حالت تعریفی کـه از یک فرد معتاد دارند این اسـت که او بیمار اسـت ولی این تعریف بیشتر برای سخنرانی و نوشتن یک مقاله و... به کار می‌رود و در اکثریت مواقع نگاهی که به افـراد معتاد وجود دارد، خوب نیسـت و اصلاً کلمه معتاد شبیه یک دشنام است. این نوع نـگاه باعث رنجش این افراد شـده و به همین دلیل جلب اعتماد آن‌ها برای ساخت یک فیلم کار بسیار سختی است. با این حال این دوستان به ما اعتماد کردند اما حقیقت این اسـت که در برخی اوقات من کاملاً احسـاس می‌کردم که این اعتماد تا اندازه‌ای که لازم است وجود ندارد با این حال آن‌ها را درک می‌کردم و بی‌اعتمادی‌شـان را می‌پذیرفتم.

در هـر روی آن‌ها در جمع‌های دوستانه‌شـان با هم خیلی راحت بودند، ما در رفت و آمدی که داشـتیم موفق شدیم صحنه‌هایی از این جمع دوستانه و صحبت‌ها را ضبط کنیم و با چنیـن تمهیداتی ضبط این مسـتند را ادامه دادیم و خوشبختانه سـاختاری در اثر شکل گرفت که فکر می‌کنم در خدمت مفهوم آن قرار دارد.

بـا فاصلـه گرفتن از شـخصیت‌ها و ضبـط تصاویر از صحبت‌های دوستانه آن‌ها و نیز تلاش برای قضاوت نکردن درباره آن افراد، این همه در خدمت مفهومی است که مدنظر داشتید یاعدم همکاری آن‌ها شما را به این ساختار رساند؟

ما به دنبال این بودیم که افراد را در موقعیت‌های مختلف ببینیم و آن‌ها بدون اینکه وجود دوربین را احسـاس کنند، حرف دل خودشان را بزنند. شکل‌گیری ارتباط بین مخاطب و شخصیت‌های فیلم مهم‌ترین چیزی بود که در ذهن داشتم و می‌خواسـتم مخاطب بداند که این افراد چه دغدغه‌هایی دارند، چه نگاهی به جامعه دارند و این نگاه چگونه شـکل گرفته اسـت و در مقابل جامعه چه نگاهی به این افراد دارد چراکـه تا امروز بیش از هر چیز فقـط نگاه جامعه به افراد معتاد دنبال شده و کمتر توجهی به نظرات آن‌ها شده است. سـعی ما بر این بود که بدون واسطه به این مفاهیم برسیم و تنها کاری که می‌شـد انجـام داد، این بود که آن‌ها را در موقعیت‌های خاصی که برایشان پیش می‌آمد نشان دهیم. این ساختار که دوربین از آن‌ها فاصله گرفته از نظر من کاملاً در خدمت مفهومی است که در «نیوکمپ» دنبال می‌کنیم. شما علاوه بر اینکه نگاه افراد معتاد به جامعه را دنبال کردید، سعی داشتید نگاه کلیشـه‌ای رایج در تعریف معتاد را بهم بزنید و تعریف جدیدی در ذهن مخاطب ایجاد کنید.

من این افراد را عادی نمی‌دانم ولی این عادی ندانسـتن اصلاً نگاهی منفی نیسـت. «نیوکمپ» یک نگاه شاعرانه به افراد معتاد دارد، این افراد واقعاً انسان‌هایی عادی نیستند و خودشان هم این را قبول دارند. خودشان معتقدند که نسبت به دیگر افراد، ریزبین‌تر و دقیق‌تر هستند و اصلاً دلیل اعتیاد خود را این مسـئله می‌دانند. هر کس در اطرافیانش ممکن است افراد درگیر اعتیاد را دیده باشد و با این مقوله برخورد کرده و تعرفی از آن در ذهنش شکل گرفته باشد و طبیعتاً من هم تعریف خاص خودم را داشـتم ولی هیچوقت با این افراد زندگی نکرده بودم و قبل از ساخت مستند اصلاً چنین ساختار و نگاه شاعرانه‌ای در ذهنم نبود.

ساخت این مسـتند اتفاقاً نظر من را هم نسبت به افراد معتاد تغییر داد، در جلسه‌ای پس از پایان فیلمبرداری من این سـوال را مطرح کردم که چـرا نوع نگاه جامعه به افراد معتاد اینگونه است در حالیکه آن‌ها فرقی با ما ندارند و فقط درگیر یک اشتباه شـده‌اند. واقعاً نگاه جامعه نسبت به این افراد، کاملاً منفی اسـت و معتاد به عنوان فردی که امکان زندگی و تعامل با او وجود ندارد، شناخته شده است. هر جا کـه اتفاق بدی رخ می‌دهد، اولین کسـی که به او مظنون می‌شوند، فردی است که یا درگیر اعتیاد است یا قبلاً معتاد بوده و این نوع نگاه واقعاً شخصیت یک انسان را دل‌شکسته و نابود می‌کند. اگر قرار است ما با این معضل برخوردی درست داشـته باشیم باید نگاهمان به افراد معتاد را اصلاح کنیم و مستند «نیوکمپ» قدمی در این راستا برداشته است. ما با دنبـال کردن دغدغه‌های درونی این افراد، صحبت‌هایی که به عنوان یک انسـان دل‌شکسته در خلوت خود می‌زنند به دنیای آن‌ها نزدیک شـدیم و فکـر می‌کنم به همین دلیل فضای شاعرانه برای این مستند بسیار مناسب بود.

تـا امروز از شـرایط اکران آنلاین مسـتند «نیوکمپ» رضایت دارید؟

متأسفانه مستند در کشور ما اهمیت چندانی ندارد و به همین دلیل فرصت‌های چندانی هم برای نمایش و تبلیغات آن وجود ندارد. برای «نیوکمپ» که سـاخت آن سه سال طول کشـید هم تبلیغات چندانی نداشتیم و من به عنوان کارگردان تا جایی که توانستم این مستند را معرفی کردم اما مطمئناً اگر قرار است یک فیلم در سطح گسترده‌تری دیده شود تبلیغات باید بیشتر انجام شود.

«نیوکمـپ» موضوع مهمی را مطـرح می‌کند و به نظر من دیده شـدن آن می‌تواند برای جامعه نیز مفید باشـد اما متأسـفانه در کشـور ما مهم نیست که یک مستند چه موضوعی را مطرح می‌کند یا چقدر برای ساخت آن زحمت کشیده شده، در نهایت فرصت چندانی برای دیده شدن آن وجود نخواهد داشت.

برنده بوکر: کتابم را غیرقانونی نخوانید

«شـاهان کاروناتیلاکا» نویسنده برنده جایزه بوکر ۲۰۲۲ از مردم خواسـت نسخه‌های غیرقانونی رمانش را منتشـر نکنند. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «شـاهان کاروناتیلاکا» که اخیرا برای دومین رمانش «هفت قمر معالی آلمیدا» برنده جایزه معتبر ادبی بوکر شـده T در صفحات اجتماعی خود با اشاره به انتشار نسخه الکترونیکی و غیرقانونی کتابش نوشت: «نوشتن این کتاب هفت سال به طول انجامیده و با ساعت‌های بی‌شماری تحقیق و تلاش همراه بوده و اگر می‌خواهید از هنر سریلانکا حمایت کنید و به آن احترام بگذارید، لطفاً نسخه‌های غیرقانونی کتاب را برای دیگران ارسال نکنید و به کسانی که آن را منتشر می‌کنند بگویید از این کار خودداری کنند».

رمان «هفت قمر معالی آلمیدا» در بریتانیا منتشر شده است، در حالی که حقوق شبه قاره هند که شامل مجوز انتشـار و توزیع کتاب در سریلانکا می‌شود در اختیار انتشارات پنگوئن رندوم هاوس در هند است.

داستان این رمان درباره عکاسی به نام معالی آلمیدا اسـت که در بحبوحه جنگ داخلی در سال ۱۹۹۰ در خواب می‌میـرد. معالی که نمی‌داند چه کسـی او را کشته، هفت قمر دارد تا با افرادی که بیشتر دوستشان دارد، تماس بگیرد و آنها را به سوی عکس‌های پنهانی از جنایات جنـگ داخلی هدایت کند، عکس‌هایی که سـریلانکا را تکان خواهد داد. «کاروناتیلاکا» دومین نویسـنده برنده بوکر اهل کشـور سـریلانکا پس از «مایکل اوندااتیه» است که در سال ۱۹۹۲ برای رمان معروف «بیمار انگلیسی» موفق به دریافت این جایزه ادبی می‌شود.

داریوش خنجی نامزد جایزه قورباغه طلایی شد

داریوش خنجی برای فیلم «باردو» ساخته «الخاندرو گونزالـس ایناریتو» نامزد جایزه جشـنواره بین‌المللی کمراایمج ویژه هنر فیلمبرداری شـد. به گزارش ایسنا، فهرسـت نامزدهای بخش مسـابقه اصلی سـی‌امین جشنواره فیلم کمراایمج لهسـتان اعلام شد که شاهد رقابت ۱۲ فیلم برای کسب جایزه قورباغه طلایی خواهد بود، فیلم‌هایی که در آن تصویر، به طرز چشمگیری در نحوه روایت داسـتان نقش داشته باشد و به سهم بزرگ فیلمبردار در ساخت و پرداخت فیلم اشاره دارد. داریوش خنجی فیلمبردار ایرانی-فرانسوی نامزد جایزه اسکار که سابقه کار با فیلمسـازان بزرگی چون «دیوید فینچر»، «وودی آلـن»، «وونگ کارواى»، «سـیدنی پولاک» و «میشـائیل هانکه» را در کارنامه دارد، برای نخسـتین همکاری با «اینااریتو» در فیلم «بـاردو»، یکی از نامزد جایزه قورباغه طلایی جشنواره فیلم کمراایمج لهستان است. فیلم اسـپانیایی زبان «باردو» که شخصی‌ترین فیلم «اینااریتو» محسوب می‌شود، نخستین ساخته این کارگردان مکزیکی پس از فیلم «بازگشـته» در سال ۲۰۱۵ محسـوب می‌شود و همچنین اولین فیلم کاملا مکزیکی زبان وی، پس از فیلم «عشـق سگی» در سال ۲۰۰۰ محسوب می‌شود. «باردو» یک کمدی نوستالژیک درباره یک روزنامه‌نگار و مستندسـاز مشهور مکزیکی است که برای مواجهه با گذشته خودش و واقعیت کنونی کشـورش به مکزیک بازمی‌گردد. فیلمبرداری این فیلم پائیز سال گذشته به پایان رسید و مدیریت فیلمبرداری آن را داریوش خنجی بر عهده داشـته است. سی‌امین جشنواره بین‌المللی فیلم کمراایمج لهستان از تاریخ ۱۲ تا ۱۹ نوامبر (۲۱ تا ۲۸ آبان) برگزار می‌شود.

یک کارگردان فیلم کوتاه مطرح کرد

فیلم کوتاه عرصه بیزینس نیست

کارگردان فیلم کوتاه و فانتزی «رنگارنگ» که در جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور دارد، می‌گوید: فیلم کوتاه عرصه بیزینس نیست.

محمدرضـا مرادی بـه بهانـه حضور در سی‌ونهمین جشـنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به ایسـنا گفت: این فیلم هشتمین کار من در حوزه فیلم کوتاه اسـت. کار قبلی‌ام با عنوان «دوآل‌پا» در جشنواره حضور داشت و امسال با «رنگارنگ» در این جشنواره حضور دارم. ایـن اثر یک کار کوتـاه در ژانر فانتزی محسوب می‌شـود. البته فیلم «رنگارنگ» در واقـع تلفیقی از چند ژانر با یکدیگر اسـت و می‌تـوان آن را یک اثـر کمدی-فانتزی هم دانست.

وی درباره اینکه چرا فیلمسازان کوتاه کمتر به سمت تجربه‌های ژانری متنوع می‌روند بیان کرد: بخشی از این مسئله شاید به بودجه‌های مشـخصی برمی‌گردد که برای تولید فیلم‌ها تعیین می‌شود. بخشـی از آن هم مربوط به دغدغه‌های شخصی فیلمسازان است. بالاخره ساخت فیلم‌هایی از این جنس، فرمولی است که در سینما جواب داده، قبلی‌ها آن را تجربه کرده و به جواب رسـیده‌اند و دوستان جدید هم دوسـت دارند همان مسیر را ادامه دهند تا به موفقیت دوسـتان قبلی برسند. این نگاه فی‌نفسه اشکال دارد و غلط است.

مرادی تأکیـد کرد: هر فیلمسـازی باید راه و روش خـودش را دنبـال کند و فضای شـخصی و دغدغه مشـخص خودش را در فیلمسازی داشته باشد. «رنگارنگ» هم برای من یک فیلم شخصی است. من با پدرم رابطه عجیبی دارم و معتقدم رابطه پدر و پسـری از آن رابطه‌هایی است که اساسا صحبت کردن درباره آن سـخت است. معمولا پسرها نسبت به پدرها گارد دارند و من در این فیلم سـعی کـردم کمی به پدرم نزدیک بشـوم. او را در فیلم خودم در قامت یـک قهرمان دیدم، آن هم قهرمانی که فراموش شده و حالا در روند فیلم او را کشف می‌کنیم.

کارگـردان «رنگارنـگ» دربـاره فضای فیلمش گفت: از فیلم اولـی که کار کرده‌ام، تا به امروز همین فضا را در کارهایم داشته‌ام. فضـای این فیلم متأثر از این نیسـت که من تلاش کرده‌ایم در قالب یک ژانر فیلم بسازم.

دنباله‌رو مکتب خاصی هم در فیلمسـازی نیستم. فضایی که در ناخودآگاهم ریشه دارد، چنین مختصاتـی دارد و همان را تا به امروز دنبال کرده‌ام.

این کارگردان سـینمای کـودک درباره دیده شـدن بیشـتر آثار اجتماعی در قیاس با تولیـدات دیگر ژانرها هـم گفت: من فکر می‌کنم در این زمینه بحث جوایز مطرح است. آنچه سـینمای دنیا از ما توقع دارد این است که روایت‌مان محدود به یک آپارتمان باشد و یا در قالب آن فقر شـدیدی را نشان بدهیم!. آن‌هـا از ما می‌خواهند به دنبال معضلات روز جامعه باشیم.

اگر سـراغ سـوژه‌هایی غیر از این موارد برویـم، معمولا در جشـنواره‌های بین‌المللی بهایی بـه آن داده نمی‌شـود. از طرف دیگر خودمان هم در داخل یک آپارتمان بهتر فیلم می‌سـازیم چرا که هم هزینه کمتری دارد و هم همه‌چیز تحت کنترل ماست.

در محیـط خـارج از آپارتمـان، طبیعتا فیلمسازی سخت‌تر می‌شـود. من همین دو روز پیش سـاخت فیلم جدیدم را در جزیره هرمز تمام کردم که به معنای واقعی تجربه‌اش برایم فاجعه بود.

هم مشکل نور داشتیم، هم به‌واسطه تعدد لوکیشـن با اتفاقات پیش‌بینی‌نشـده مواجه بودیم. فقط جابه‌جایی وسـایل تا هرمز کلی هزینه برایمان داشت.

در این فرآیند بازگشـت مالی یک پروژه، باید منطق داشته باشد.

وقتـی این منطـق وجود نـدارد، طبیعتا دوسـتان فیلمسـاز من سـراغ فرمول‌هایی می‌روند که پیش‌تر جواب داده باشند.

مرادی ادامه داد: این مسیر، مسیری است که پیش روی فیلمسـازان قرار گرفته و از آن جواب هم می‌گیرند.

معمولا هـم موضـوع آثار آن‌هـا یا فقر و فلاکت اسـت و یـا پرداختن بـه یکی از معضلات روز جامعه که اتفاقا در فیلمسـازی تاریخ‌مصرف هم دارند.

موضوعاتی فاقد تاریخ مصرف و شـخصی، معمولا مورد توجه قرار نمی‌گیرند. برای فیلم «دوآل‌پا»ی خـود من هم هیچ اتفاق ویژه‌ای رخ نـداد، اما هیچ‌گاه نمی‌خواهـم فیلمی با فرمولی آشنا بسازم. دوسـت دارم هر فیلمم یک تجربه کاملا شـخصی و برآمـده از دل خودم باشد.

وی درباره بودجه‌ای که برای فیلمسـازی دریافت می‌کند توضیح داد: من از سـال ۸۶ فیلـم می‌سـازم و حتی با بودجـه ۵۰ هزار تومان فیلم سـاخته‌ام. برای یکی از فیلم‌هایم به ابزاری نیاز داشـتم که مجبور شدم آن را بدزدم و فیلم بسـازم! همین تجربه‌ها خودش می‌تواند تبدیل به یک فیلم شود.

آنقدر تا به امروز فیلم ساخته‌ام و شکست خورده‌ام تا بعد از گذشـت ۱۰ سـال بتوانم اعتمـادی را جلب کنم تـا بودجه مختصری برای فیلمسازی در اختیارم قرار بگیرد.

بـرای «دوآل‌پا» تنهـا ۲۵ میلیون تومان بودجـه در اختیارم گذاشـتند و ۵۰ میلیون تومان را از جیب خودم گذاشـتم. بالاخره از مرحله‌ای به بعد به اراده‌ای برای فیلمسـازی می‌رسـی که حتی حاضری بـرای یک ایده خـاص خرج کنی. فیلم کوتـاه یک بیزینس نیسـت که بتوان در آن سرمایه‌گذاری کرد و به درآمد رسید.

«آنجلینا جولی» در نقش خواننده معروف اُپرا

«آنجلینا جولی» در فیلم جدید سـاخته «پابلـو لارین» در نقش «ماریـا کالاس» خواننده افسانه‌ای اُپرا مقابل دوربین می‌رود.

به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، «پابلو لارین» سـینماگر مولف شیلیایی که پیش‌تر فیلم‌هایی چون «اسپنسر» و «جکی» را ساخته بود، در جدیدترین پروژه سینمایی خود فیلم «ماریا» را بر اسـاس زندگی «ماریا کالاس» خواننـده یونانی-آمریکایی معروف سـوپرانو مقابل دوربین می‌برد و «آنجلینا جولی» برای بازی در نقش اصلی این فیلم انتخاب شـده اسـت. «ماریا» بر اسـاس روایت‌های واقعی ساخته می‌شود و داستان پر فراز و نشیب و در نهایت غم انگیز زندگی سوپرانوی یونانی متولد آمریکا «ماریا کالاس» را روایت می‌کند که در آخرین روزهای زندگی‌اش در پاریس در دهه ۱۹۷۰ دوباره احیا شـد. «پابلو لارین» پیش از این نیز پرتره‌های شـخصی از زنان نمادین سـاخته بود که از آن جمله می‌توان به فیلم «جکی» با بازی «ناتالـی پورتمن» در نقش «جکی کندی» و فیلم جدیدتر «اسپنسر» با بازی «کریستن استوارت» در نقش «پرنسس دایانا» اشـاره کرد که هـر دو بازیگر ، نامزد اسـکار بازیگر نقش اول زن شدند. «استیون نایت» نگارش فیلمنامـه «ماریا» را بر عهده دارد و «خـوان دو دیـو»، «لورنزو می‌یله» و «جوناس دورنبـاخ» تهیه‌کنندگان این پروژه سینمایی هسـتند. «پابلو لارین» که از دیگر آثارش می‌توان بـه «No»، «نرودا»، «اِما» و «کلاب» اشـاره کرد، گفت: «داشتن فرصتی برای ترکیـب عمیق‌ترین و شـخصی‌ترین علایقم من یعنی سینما و اُپرا، آرزوی طولانی مدتی برایم بوده است. انجام این کار با آنجلینا جولی کـه هنرمنـدی فوق‌العاده شـجاع و کنجکاو است، فرصتی شگفت‌انگیز محسوب می‌شـود». «آجلینا جولی» نیز درباره بازی در این فیلم سینمایی اظهار کرد: «مسئولیت زندگی و میراث ماریا را بسیار جدی می‌پذیرم. تمام تلاشم را برای مقابله با این چالش انجام خواهم داد. پابلو لارین کارگردانی اسـت که مدتهاست او را تحسـین می‌کردم. اینکه در این پروژه فرصت داشته باشم که داستان ماریا را با فیلمنامه‌ای از استیون نایت روایت کنم، یک رویاست». «جولی» هم اکنون در مرحله پس از تولیـد پنجمین فیلم خـود در مقام کارگردان با عنوان «بدون خون» است. او در حرفه بازیگری خود برنده اسکار بازیگر نقش مکمل زن برای فیلم «دختر، ازهم گسیخته» (۲۰۰۰) و جایزه اسـکار بازیگر نقش اول زن بـرای فیلم «بچه جایگزین» (۲۰۰۹) شـده است.

نگاه

گم‌شده‌های بیهقی کجاست؟

گفته می‌شـود آن‌چه امروز به‌عنـوان تاریـخ بیهقی به دسـت ما رسـیده، بخش کوچکی از کل اثر اوسـت؛ به‌گونـه‌ای کـه حتـی از داشتن نام واقعی آن محروم مانده‌ایم. با ایـن حال آیا از میان دسـتنویس‌های بسیار این کتاب، دستنویسی هست که بخش‌های گم‌شدهٔ این کتاب را داشته باشد؟ به گزارش ایسنا، نخستین روز از آبان‌ماه، روز ملی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی، خالق تاریخی‌سـت که اهمیت چندگانهٔ آن سبب شده معاندان و موافقان هر دو با این کتاب سـروکار داشته باشند؛ تا جایی که به دلیل برخی تلاش‌های مغرضانه تنها بخشی از کتاب سر از حوادق ایام به سلامت برده که همان بخش هم‌قرن‌ها از دسترس تاریخ‌نگاران به دور بوده است.

این درحالی است که بنا بر مدارک موجود، بیهقی چند اثر مشخص به فارسی داشـته که مهم‌ترین و نامورترین آن‌ها البته تاریخ بیهقی یا تاریخ مسـعودی است.

آثار بیهقی به قرار زیر بوده است:

۱- مقامات یا کتاب مقامات، که گاهی هم از آن به مقامات محمودی یاد کرده اسـت. این کتاب مشتمل بر فصول و بخش‌هایی بوده که هر بخش به مناقب و کارهای نمایان یکی از اشـخاص بزرگ و مورد علاقهٔ وی اختصاص داشته و به نام آن شـخص خوانده می‌شده است. دست کم بیهقی از دو بخش مقامات محمودی و مقامات بونصر مشکان در کتاب خود یاد کرده است. این کتاب از میان رفته و نسخهٔ مستقلی از آن در دست نیست.

۲- زینهٔ‌الکتاب، چنانکه از عنوان آن برمی‌آید، کتابی بوده است در فن دبیری و انشاء و حاوی نمونه‌هایی از ترسلهای آن زمان. از این کتاب تاکنون نسخه‌ای به دست نیامده است.

۳- چند سـخن که دبیران در قلم آرند، شامل ۳۷۳ «سخن» فارسی با معادل عربی آن‌ها. که یک بـار علی‌اصغر حکمت چاپ کرده و بار دیگر دکتر صادق کیا متن آن را تصحیح و با فهرسـت‌های دوگانهٔ فارسـی به عربی و عربی به فارسی منتشر کرده است.

۴- تاریـخ بیهقی: اما بی‌تردید مهم‌ترین و شـاخص‌ترین اثر ابوالفضل بیهقی تاریخ گرانسـنگ مسـعودی معروف به تاریخ بیهقی است که در قلمرو و نثر فارسی در زمرهٔ دوسه اثر شاخص و طراز اول قرار می‌گیرد. به دلیل آن که آغاز و انجام کتاب به دست ما نرسیده از داشتن نام واقعی آن محروم مانده‌ایم، در بخش‌های موجود کتاب هم به تصریح نام آن ذکر نشـده است. منابع دیگری هم که از این کتاب یاد کرده‌اند. عموماً آن را تاریخ بیهقی یا تاریخ مسـعودی خوانده‌اند.

کتاب تاریخ بیهقی از حوادث مربوط به سـال ۴۰۹ در زمان سلطنت محمود آغاز شـده و تا زمان سـلطان ابراهیم و کمی پیش از درگذشت مؤلف (۴۷۰) یعنی شرح حدود نیم قرن از تاریخ غزنویان ادامه یافته است.

آنچه اکنون از تاریخ بیهقی بر جای مانده اسـت، با برگ‌هایی از مجلد پنجم کتاب آغاز می‌شود و با مجلد هم پایان می‌یابد. بنابراین باقی آن در گذر زمان از میان رفته اسـت. محدودهٔ وقایع بخش موجود کتاب از نظر تاریخی از شرح حوادث بعد از مرگ محمود (۴۲۱) تا فرار سلطان مسعود به هند (۴۳۲ ق) را در بر می‌گیرد، به اضافهٔ «باب خوارزم» از وقایع ایام سلطنت محمود. به همین سبب، به «تاریخ مسعودی» شهرت یافته است.

احسان یارشاطر نیز در تصدیق بخشـی از آن‌چه بیان شد، دربارهٔ بخش‌های ازدسـت‌رفتهٔ تاریخ بیهقی و چرایی این موضـوع در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ در تاریخ بیهقی» (ایران شناسـی، زمستان ۱۳۷۲، شـماره ۲۰) آورده است: محتویات کتاب تاریخ بیهقی دسـت کم به اندازهٔ سبک آن پراهمیت‌اند، آنچه امروز به عنوان تاریخ بیهقی به دست ما رسیده بخش کوچکی از کل اثر اوست. بیهقی، که نوزده سـال دبیر دسـتگاه غزنوی و سلجوقی بود، سی جلد کتاب نوشت که «پنجاه سال را شامل است و بر چندین هزار ورق می‌افتد» و امروزه تنها مجلد پنجم تا دهم آن در دست ماست. به‌علاوه، خود بیهقی به صراحت یادآور شده که بسیاری از اسناد و مدارکی که قاعدهٔ می‌بایست جزئی از کتاب می‌شـد به عمد از میان برده شـده بوده است، می‌نویسـد: «و اگر کاغذها و نسخه‌های من به قصد ناچیز نکرده بودندی، این تاریخ از لون دیگری آمدی...» بـا این حال، جـلال خالقی مطلق با کنار هم قـرار دادن آن‌چه دربارهٔ تاریخ بیهقی رخ داده اسـت، یک پرسـش مهم را مطرح کرده و در متنی با عنوان «پرسشی درباره بخش‌های گم‌شدهٔ تاریخ بیهقی» (نامهٔ بهارستان، سال دهم، ۱۳۸۸، شـماره ۱۵) توضیح داده است: «دربارهٔ تاریخ بیهقی؛ تألیف ابوالفضل بیهقی (د ۴۷۰ق) نوشته‌اند که آن در اصل کتابی بوده در سی مجلد در تاریخ آل‌سبکتکین شـامل سه بخش: «تاریخ ناصری»، «تاریخ یمینی» یا «مقامات محمودی» و «تاریخ مسـعودی». ولی از آن سی مجلد، چهار مجلد نخستین که شـامل بخش‌های یکم و دوم بوده، و مجلدات یازدهم تا سـی‌ام که دنبالهٔ بخش سوم بوده از دست رفته و تنها مجلدات پنجم تا دهم شامل رویدادهای پادشـاهی مسعود تا سـال ۴۳۲ق، یعنی یک سـال مانده به پایان پادشاهی مسعود، در دست است و متن همین بخش موجود نیز بریده آغاز می‌شود.

چنانکه شـادوران سعید نفیسی در پژوهشـی خود دربارهٔ این کتاب با عنوان «آثار گمشدهٔ ابوالفضل بیهقی» نشان داده است، برخی مؤلفان، چون ابوالحسن علـی بن زید بیهقی، معروف به ابن فُندق (د ۵۶۵ق) در تاریخ بیهقی، محمد عوفی (د ۶۳۵ق) در لباب‌الالباب، منهاج سراج جوزجانی (د ۶۶۰ق) در طبقات ناصری و محمد شـبانکاره‌ای در مجمع‌الانساب (تألیف: ۷۳۵ق)، از بخش‌های گم‌شدهٔ تاریخ بیهقی استفاده کرده بودند. یعنی با وجود گفتهٔ ابوالحسن بیهقی در تاریخ بیهقی دربارهٔ تاریخ بیهقی که می‌نویسد:

«و آن همانا سـی مجلد منصف زیادت باشد، از آن مجلدی چند در کتابخانهٔ سرخس دیدم و مجلدی چند در کتابخانهٔ مهد عراق... و مجلدی چند در دست هر کسـی و تمام ندیدم»، ولی به هر روی، این کتاب تا میانهٔ سـدهٔ هشتم ق تمامی وجود داشته است.

آیا از میان دستنویس‌های بسیار این کتاب، دستنویسی هست که بخش‌های گم‌شدهٔ این کتاب را داشته باشد؟ در غیر این صورت، پرسش نگارنده این است که: چگونه ممکن اسـت از کتابی که تا میانهٔ سدهٔ هشتم ق همهٔ آن هر چند پراکنده موجود بوده اسـت، از مجلدات پنجم تا دهم آن این همه دستنویس باقی بماند، ولی دیگر مجلدات آن به کلی از دست بروند؟»

خبر کوتاه

گلاب آدینه با «پرده خانه» می‌آید

گلاب آدینـه در جدیدترین تجربه کارگردانی خود«پرده خانه» نوشته بهرام بیضایی را در پردیس تئاتر شـهرزاد به صحنه خواهد برد.

به گـزارش روابـط عمومی پردیـس تئاتـر شـهرزاد، نمایش «پرده خانه» نوشته بهرام بیضایی از۱۵ آبان ماه به کارگردانـی گلاب آدینه و تهیـه کنندگی سـعیده اسماعیل‌نیا، درسالن شماره یک این پردیس اجرا خواهد شد.

آدینه طی یادداشـتی بیان کرده اسـت، تا توان دارم هرگز سالن تئاتر را رها نخواهم کرد. از سال‌های دورتا به امروز، تعطیلی تئاتر و موسیقی خواسته قلبی دشمنان هنر بوده اسـت؛ فرصت این شادی از سوی من، برای ایشان محقق نخواهد شد. از سایر عوامل این نمایش به شبیر پرستار «مجری طرح»، شکوفه آزادگان «برنامه ریز و دستیارکارگردان»، مهدی صفافلاح «آهنگساز»، مقدی شـامیریان«طراح لباس»، علی پور احمدیان و نوید معمار «طراحان صحنه»، رضا خضرایی«طراح نور» انسیه فرض الهی «چهره پرداز» و ایمان یاری «طراح گرافیک» می‌توان اشـاره کرد. این سومین تجربه کارگردانی گلاب آدینه بر روی نمایشـنامه‌های بهرام بیضایی بعد از «سـلطان مار» و « مرگ‌یزدگرد» است. براسـاس این گزارش، فهرست بازیگران «پرده خانه» به زودی اعلام خواهد شد. «پرده خانه» داستان زنان بازیخانه‌ی حرم سلطانی پریشان احوال است که با آمدن نوعروس کم سال، تصمیم به قتل شَاه می‌گیرند.

پیش فروش بلیت‌های جدیدترین نمایش گلاب آدینه از اواخر این هفته آغاز خواهد شد. آدینه سال قبل نمایش موزیکال «بانوی محبوب من» را در سالن اصلی تئاتر شهر به صحنه برد.